

بازشناخت مؤلفه های هویت اصیل معماری بومی ایرانی در غرب کشور، نمونه موردی: اورامان کردستان

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۰/۶

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۲/۱۲/۱۰

صلاح الدین مولانایی* - سارا سلیمانی**

چکیده

بحران هویت یکی از مهم ترین مسائل امروز جامعه جهانی است. رنگ باختن مفهوم هویت، مختص حوزه معماری نمی باشد؛ همچنان که این ضعف در حوزه های مختلف مشهود است. همسو با این نظریه، صاحب نظران معماری معتقدند، بحران هویت، معماری معاصر ایران را در بر گرفته و تلاش های فراوانی جهت یافتن راه های خروج از این بحران صورت گرفته است. یکی از مهم ترین راهکارهای خروج از بحران، باز شناخت مؤلفه های هویت بخش معماری ایرانی می باشد. بخش مهمی از سابقه معماری و شهرسازی ایران، در نوار غربی کشور شکل گرفته است. در این مقاله، شاخص هایی از هویت معماری و شهرسازی ایران در منطقه اورامان استان کردستان در ناحیه غربی ایران، بررسی شده است. تطبیق الگوهای معماری مناطق شکل گرفته در این ناحیه با سایر نواحی کشور، اصولی را تبیین می کند که با توجه به این اصول، می توان مؤلفه های هویت بخش در معماری دوران معاصر را تعریف نمود. در این نوشتار به روش تحلیلی تطبیقی ویژگی های خاص معماری با هویت ایرانی در منطقه کردستان و با نگاهی ویژه در زمینه معماری ناحیه اورامان، معرفی و تحلیل شده است. در این زمینه با رویکردی به معماری، تأثیر اصول و ارزش های اسلامی در شکل گیری و هویت معماری اورامان مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرد. نتایج مطالعات نشان می دهد در کنار شاخص های ساختاری و ویژگی های اقلیمی و تاریخی، بسیاری از ارزش ها و اصول معماری اسلامی نظیر محرمیت، درون گرایی و خودبسندگی به همراه اصول و ارزش های دینی، در ساختار معماری اورامان و ایجاد هویتی شاخص، متجلی شده است. عوامل فرهنگ، اعتقادات اسلامی و نحوه وضعیت اجتماعی مردم، در کنار شرایط اقلیمی و جغرافیایی تفاوت های بنیادین در الگوهای معماری منطقه به وجود آورده و در نهایت منجر به شکل گیری معماری با ارزش در منطقه شده است.

واژگان کلیدی: هویت، معماری اسلامی، نماد، اورامان، کردستان.

مقدمه

در ساختار معماری و شهرسازی امروز ایران هم اکنون این نظریه وجود دارد که در این ساختار، مفهوم هویت دچار بحران شده و به صورت انتزاعی درآمده است. در سطحی بالاتر رنگ باختن مفهوم هویت، درحوزه های مختلف فرهنگی، اجتماعی، ملی و غیره مشهود می باشد (Noghrekar, 2010). بر این اساس، هدف اصلی مقاله، باز شناخت هویت در معماری اصیل ایران در منطقه غرب کشور در جهت برون رفت از بحران هویت در دوره معاصر است. با توجه به اینکه این منطقه دارای معماری و شهرسازی اصیل و با پشتوانه غنی اعتقادی، فرهنگی و اجتماعی می باشد، شناخت صحیح و دقیق از مؤلفه های این معماری می تواند گام نخست در راه تعریف اصول هویت بخش ساختار معماری و شهرسازی در دوران معاصر باشد.

معماری ارتباطی عمیق با مؤلفه های هویت بخش نظیر فرهنگ، الگوهای رفتاری و ارزش های جامعه دارد و به همین دلیل است که معماری هر دوره بازتابی از تمدن، فرهنگ و هنر آن دوره محسوب می شود. مطابق مطالعات تاریخی، بخش مهمی از خاستگاه اولیه تمدن ایرانی در منطقه غرب و شمال غرب ایران بوده و آثار و نشانه های به جای مانده از دوران معماری پیش از اسلام تاکنون، با سابقه ای نزدیک به ده هزار سال، ساختاری کهن را در این سرزمین به تصویر می کشد. الگوهای معماری ارارتوها (از اقوام نخستین ایرانی) پایه و مبنای ساختار معماری این ناحیه تا قرن های متمادی بوده است (Pirnia, 2009). در این تحقیق تلاش شده است بر پایه مطالعاتی که در دو دهه اخیر در خصوص معماری و شهرسازی این ناحیه از ایران انجام شده است، بخش هایی از هویت ارزشمند آن شناخته شده و اصول و مبانی نهفته در آن، تبیین شود. با شناخت اصول هویت بخش های مختلف معماری ایران و در صورت بهره گیری از این الگوها با ارتباط صحیح و منطقی با معماری روز، می توان به الگوها و رویکردهایی جهت برون رفت از بحران هویت در معماری معاصر ایران دست یافت.

۱. روش تحقیق

در این پژوهش ابتدا تعاریف اصلی از مبحث هویت بر مبنای مطالعات صورت گرفته، بیان شده و سپس بر اساس روش های توصیفی-تطبیقی و بر مبنای یافته های مطالعات میدانی و پژوهش های پیوسته دانشگاهی، ساختار ویژه روستاهای منطقه مورد مطالعه (منطقه اورامانات) معرفی شده است. در ادامه، عوامل اساسی در شکل گیری این ساختار در زمینه معماری و شهرسازی اسلامی بر مبنای تحقیقات و دسته بندی های معتبر^۱ تبیین شده است. در پایان با رویکردی به معماری و روش تحلیلی، تأثیر عوامل مختلف در شکل گیری و هویت معماری اورامان با تأکید بر ساختار مسکونی مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرد.

۲. تعریف هویت

هویت در مفهوم عرفانی به معنای «خداوند» آمده است و بیشتر عرفا، هستی خداوند یا ذات الهی را تنها هویت موجود می دانند. عارفان حکیم (ابن عربی و پیروان مکتب او) هویت را شامل تمامی مراتب تجلی خداوند از عالم امر تا عالم خلق محسوب می نمایند. هویت در رهیافتی فلسفی، به معنای «هستی و وجود» به کار می رود. معنای سوم هویت که علاوه بر برخی رهیافت های فلسفی بر فهم عمومی و عامیانه آن هم استوار شده «ماهیت یا تشخیص» است. بدین ترتیب آنچه موجب شناسایی شیء باشد یا به عبارت دیگر چپستی شیء، هویت آن را تشکیل می دهد (Noghrekar, 2010).

۳. بحران هویت در فرهنگ و هنر معاصر

معماری ایران در سده اخیر تحت تأثیر جریانات فکری غرب دستخوش تحولات و دگرگونی های فراوانی بوده است. «اما ذکر این نکته ضروری است که مهم ترین عامل رشد و تکامل معماری و هویت آن، بازگشت به پیشینه و فرهنگ ایرانی و اسلامی است و قدم اول در این راه شناخت کامل این فرهنگ می باشد» (Hanachi, 2009).

این پیشینه در واقع تعبیر به سنت است که در تعاریف امروزی در تقابل با تجدد گرایی چند دهه اخیر قرار گرفته است. سنتی موید منش یکپارچه جامعه در عین تأیید و تقویت ساحات ظاهری و باطنی (Ardalan, & Bakhtiar, 2001).

در جهان امروز به ویژه دنیای غرب، گستره بحران هویت به گونه ای فراگیر می باشد. نبود تکیه گاه هستی شناختی و اعتقادی به عنوان پشتوانه شخصیت، انسان را در عصر نوگرایی (مدرن) دچار تزلزل در هویت نموده است. برچیده شدن هر آنچه که روزگاری پاینده، جاودان و ماندگار شمرده می شده و به دست دادن تعریفی از پیشرفت، ترقی و توسعه بر پایه شک گرایی، دستیابی به هویتی اصیل و پایدار را دشوار نموده است (Noghrekar, 2010).

دامنه بحران هویت، معماری و شهرسازی ایران را نیز فرا گرفته است. این بحران در ایران با توجه به قدمت، دین، اعتقادات و سابقه درخشان تمدن و فرهنگ آن از اهمیت خاصی برخوردار بوده و لزوم توجه بیشتری را می طلبد. تفکرات غربی بدون پشتوانه ملی و اعتقادی بخش وسیعی از معماری ایران را احاطه نمود. به عنوان مثال بخش عمده ای از بناهای

جدید در معماری ایرانی براساس تفکرات و مبانی نظری معماری موسوم به پست مدرن می باشد (Bani Masoud, 2010). در دهه های اخیر صاحب نظران حیطه معماری و فرهنگ به این بحران و پیامدهای آن اشارات فراوانی داشته و ابتدا در پی شناخت صحیح بحران و سپس ارائه راهکار برون رفت از آن بوده اند. در زمینه معماری از مهم ترین توصیه ها، بازشناخت هویت اصیل معماری ایرانی می باشد. لذا یکی از مهم ترین راهکارهای بازشناخت هویت معماری ایرانی رجوع به مؤلفه های سازنده معماری در نقاطی از کشور است که علی رغم گذشت زمان و استیلای عمومی نوگرایی (مدرنیسم)^۲ همچنان بخش اعظمی از ساختار کهن خود را حفظ نموده و به نسل های جدید انتقال داده اند. به دلیل تنوع و گستردگی اصول و مبانی در معماری ایرانی، در مناطق مخالف، لازم است اصول و مؤلفه های آن بخش از معماری با توجه به نظام اعتقادی، فرهنگی، اجتماعی، کالبدی و اقلیمی هر منطقه شناسایی شود. به بیان دیگر نمی توان برای تمامی بخش های معماری ایرانی به صورت واحد و یکپارچه، اصول یکسانی را در زمینه هویت بخشی ارائه نمود. بلکه بر اساس تقسیم بندی های مرتبط با عوامل بنیادین نظیر مسائل اعتقادی، فرهنگی، اجتماعی، کالبدی و اقلیمی لازم است، مؤلفه های مرتبط، شناسایی شده و بر اساس این مؤلفه ها اقدام به تبیین اصول نمود. لذا مسأله مهم در این مقاله شناسایی این مؤلفه ها در معماری بومی ناحیه غرب ایران محدود به منطقه اورامان می باشد.

۴. پیشینه تحقیق

مطالعات متعددی پیرامون معماری نواحی مرکزی ایران انجام شده است. اما در ناحیه غرب کشور علی رغم دارا بودن معماری با پیشینه بسیار کهن، مطالعات علمی و پژوهشی چندانی صورت نگرفته و خلأ تحقیقات کاربردی و بنیادی در خصوص معماری این بخش از ایران مشاهده می شود. مطالعه و پژوهش در زمینه معماری غرب ایران و به ویژه ناحیه کردستان، بسیار اندک بوده است. در سالیان اخیر تحقیقاتی دانشگاهی در زمینه معرفی و تحلیل ویژگی های معماری و شهرسازی ناحیه غربی ایران آغاز شده و تحقیق حاضر در ادامه مسیر پژوهشی است که در این راستا شکل گرفته است.^۳ سوابق تحقیق نشان می دهد بیشتر تحقیقات در زمینه های گردشگری و تاریخی در این منطقه انجام شده است. این منطقه یکی از قطب های اصلی گردشگری در ایران به شمار می آید (Zarabi et al., 2012, p. 35). گردشگری روستایی نیز به عنوان جزئی از صنعت گردشگری، می تواند نقش مؤثری در توسعه ملی و به تبع آن توسعه منطقه ای و محلی ایفا کند (Daneshmehr et al., 2013). بنابر بخشی از پژوهش ها، منطقه اورامان از مناطق مستعد و مناسب جهت بهره برداری در زمینه های مختلف سیاحتی، گردشگری و تفرج به شمار می آید. با توجه به وجود جاذبه های منحصر به فرد، همچون جاذبه های چشم اندازهای طبیعی، معماری ویژه، صنایع دستی و سایر جاذبه های موجود در منطقه، اورامان، مورد توجه گردشگران علاقه مند است (Tavakoli et al., 2011). اما سابقه پژوهش در زمینه معماری منطقه، چندان زیاد نیست. بنابر موارد ذکر شده، پژوهش های کاربردی در زمینه معماری و شهرسازی این منطقه ضروری بوده و می تواند در راستای باز تعریف هویت در معماری ایرانی مورد توجه قرار گیرد.

۵. هویت معماری بخشی از مناطق غربی ایران

در نواحی غربی کشور از کردستان و کرمانشاه تا آذربایجان غربی مناطقی با ساختاری اصیل وجود دارد که متضمن مؤلفه های دیرینه معماری ایرانی می باشد. مؤلفه هایی که هویت شاخص این معماری را در خود حفظ کرده است (شکل ۱). به دلیل ساختار خاص منطقه به لحاظ ویژگی های جغرافیایی، اقلیمی و توپوگرافی؛ اصول تبیین شده مختص مناطقی است که دارای شباهت های فیزیولوژیکی به محدوده مورد مطالعه این پژوهش باشند محدوده مورد نظر این پژوهش ناحیه غرب ایران در کنار سلسله جبال زاگرس در گستره ای از استان های آذربایجان غربی، کردستان و کرمانشاه می باشد.

شکل ۱: نمای روستای اورامان تخت در کردستان



۶. معرفی اورامان تخت (اورامانات)

اورامان تخت روستایی از توابع بخش اورامانات شهرستان سروآباد در استان کردستان است که در ۶۵ کیلومتری جنوب شرقی شهرستان مریوان و ۱۷۰ کیلومتری سنندج (مرکز کردستان) واقع شده است (شکل های ۲ تا ۴). این روستا در ارتفاع ۱۴۵۰ متری از سطح دریاهای آزاد قرار گرفته است و اقلیمی سرد و کوهستانی دارد. آب و هوای آن در فصل بهار و تابستان بسیار مطبوع و دلپذیر بوده و زمستان آن بسیار سرد و طولانی است. در بعضی از مواقع بارش برف در این روستا به حدی است که برای چند روزی دسترسی به آن امکان پذیر نیست. اورامان سرزمینی وسیع و کوهستانی است که سراسر جنوب کردستان و شمال کرمانشاه را دربرگرفته و روستای اورامان بخشی از این سرزمین وسیع به شمار می آید. اورامان در زبان کردی "هورامان" تلفظ می شود که در ترجمه این واژه این گونه آمده است که "هور" به معنی اهورا و "مان" هم به معنی خانه است و هورامان را به معنی خانه و سرزمین هم معنی کرده اند. روستای اورامان قدمتی دیرینه در تاریخ دارد و وجود آثار و بقایای آتشکده های فراوان در اطراف آن نشانگر این موضوع است که مردم این نواحی پیش از گرویدن به اسلام زرتشتی بوده اند. این سرزمین در گذشته قلمرو فرمانروایان و سلاطین محلی بوده که با اقتدار بر آن حکمفرمایی می کردند به همین دلیل این روستا را اورامان تخت یعنی پایتخت یا مرکز سلطنت نامیده اند.

شکل ۳: موقعیت استان کردستان در ایران



(Soleimani, 2013)

شکل ۲: تقسیمات سیاسی در استان کردستان



(<http://sanandaj.gov.ir>, 2013/9/12)

شکل ۴: موقعیت اورامان تخت در استان کردستان



(<http://maps.jamasp.ir>, 2014/10/8)

به روایتی دیگر اورامان در گذشته های دور، شهری پر جمعیت بوده که به عنوان مرکز حکومت اورامی ها در این منطقه استفاده شده است.

شکل ۶: نمای روبه رو اورامان



شکل ۵: نمای روستای اورامان تخت کردستان



۷. شناخت معماری منطقه

مطالعات نگارندگان بر پایه تحقیقات سال های اخیر نشان می دهد که معماری این مناطق به عنوان معماری اصیل دارای هویت مختص به خود می باشد (Soleimani & Molanaei, 2012). معماری اصیل با توجه به عنوان آن، نوعی از معماری است که هویت و اصالت آن حفظ شده و دارای شاخصه های مختص به خود می باشد که بیشتر در روستاهای منطقه می توان آثار آن را یافت و در شهرها رو به فراموشی رفته اند (Hashemnejad & Molanaei, 2009, p. 26). در این مقاله بخشی از منطقه که دارای معماری اصیل هستند؛ مورد بررسی قرار گرفته است. اورامان تخت از جمله نمونه های شاخص این ساختار محسوب می شود (شکل ۷).

شکل ۸: خانه های مسکونی اورامان



شکل ۷: معماری اصیل منطقه در اورامان



۷-۱- ساختار شکلی زمین و دسته بندی روستاها

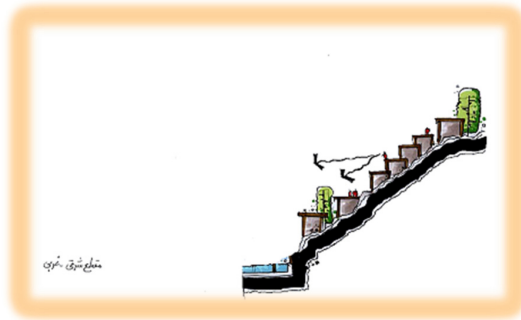
دسته بندی به لحاظ توپوگرافی: با توجه به تمرکز بر روی معماری اصیل منطقه در این بخش، ساختار روستاهای منطقه کردستان به اجمال معرفی می شود: روستاهای این ناحیه به طور عمده در ۳ دسته به لحاظ توپوگرافی قرار می گیرند: ۱- کوهستانی با شیب تند ۲- کوهپایه ای با شیب متوسط ۳- دشت با شیب ملایم. بر این اساس ساختار بافت روستا متفاوت بوده و هر یک دارای ویژگی های مختص به خود می باشد. به دلیل شاخص بودن ویژگی های روستاهای دسته های ۱ و ۲ (کوهستانی و کوهپایه ای)، در این مقاله ساختار معماری این روستاها مورد بررسی قرار گرفته است (Molanaei, 2007).

جهت عمده ساختمان ها رو به سمت جنوب، جنوب شرقی و جنوب غربی بوده تا بیشترین دریافت ممکن از تابش آفتاب میسر باشد. در بسیاری از موارد، در یک سمت دره، خانه های مسکونی و در سمت دیگر، زمین های محدودی که به باغداری یا کشاورزی اختصاص یافته اند؛ مستقر می باشند (Molanaei, 2006) (شکل ۶).

شکل ۹: استقرار بافت روستا در دهستان اورامان کردستان با توجه به توپوگرافی منطقه.

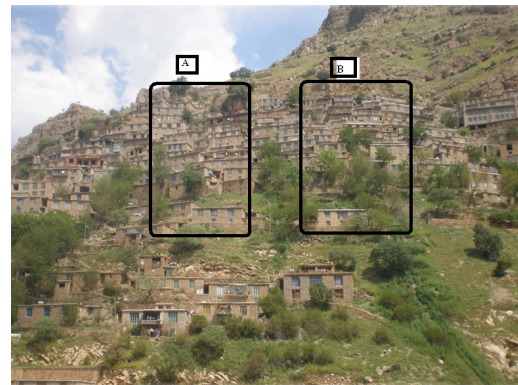


شکل ۱۰: مقطع شماتیک اورامان



علی‌رغم این که بسیاری از کارشناسان در شکل‌گیری بافت روستاهای کوهستانی، بحث جبرگرایی^۴ را مطرح نموده و معتقدند که به دلیل ناگزیری در تقابل با عوامل اقلیمی نظیر شیب و توپوگرافی، وزش بادهای غالب و نورگیری، بافت این روستاها از یک جهت یا شیب خاص تبعیت نموده و عوامل فرهنگی و معنوی در شکل‌گیری آن مؤثر نیستند، بررسی‌ها در معماری روستایی ایران و بالاخص مناطق کوهستانی غرب کشور خلاف این باور را نشان می‌دهد (Alizadeh, 2008). به عنوان مثال در بسیاری از روستاهای کردستان نظیر اورامان، هجیج، گلین و پالنگان، علی‌رغم نوع خاص و جهت غالب شیب و توپوگرافی، تلاش شده است تا حد امکان جهت‌گیری اصلی بافت روستا به سمت قبله بوده و این ارزش معنوی به نحوی در ساخت منازل خود را نشان داده است. چرخش خانه‌ها و خروج از خط شیب و توپوگرافی تا آنجا که در توان معماران بوده در این مناطق مشاهده می‌شود. با توجه به جهت قبله در ایران (جنوب غربی) این جبهه از نور نسبتاً مناسبی هم برخوردار می‌باشد. ضمن این که در بسیاری از روستاهای دیگر علاوه بر این عامل، توجه به دید و منظر مناسب و روی نمودن به جبهه‌ای که داری تنوع بصری زیبایی است؛ هم مشاهده می‌شود. این چرخش در جهت‌گیری اصلی خانه علی‌رغم خط توپوگرافی در شکل ۷ مشخص شده است. در شکل ۸ نیز علی‌رغم استقرار خانه‌ها در دو یال متفاوت بستر زمینه (A, B)، با زاویه چرخش نسبت به یکدیگر، این خانه‌ها همگی به سمت واحدی استقرار یافته‌اند (شکل‌های ۱۱ و ۱۲).

شکل ۱۱: چرخش در جهت‌گیری نمای خانه



شکل ۱۲: نمای روستای اورامان کردستان

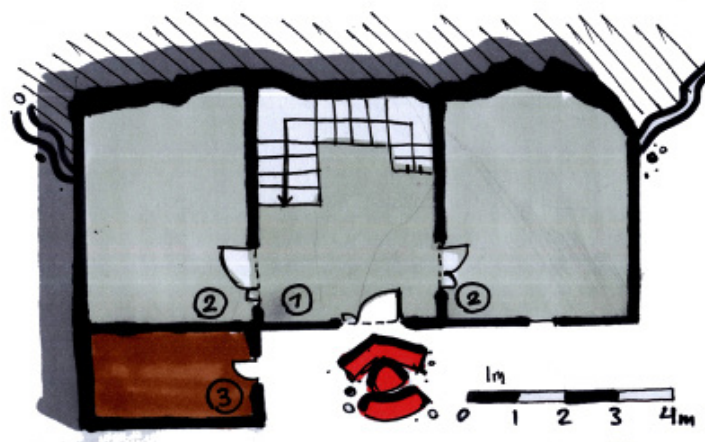


وضعیت شیب زمین، چگونگی تعریف واحدهای همسایگی را نیز تغییر می‌دهد. مسیر ارتباطی و حرکتی^۵ عابر پیاده و خودرو نیز تحت نظام خاص و محدودیت‌های توپوگرافی هستند. عامل توپوگرافی همچنین در کلیت نحوه استقرار بافت مسکونی روستاها تأثیرگذار بوده، به طوری که علی‌رغم شرایط آب و هوایی سرد موجب شکل‌گیری دو نوع بافت متمایز از هم شده است: الف: بافت مسکونی منفصل (آزاد) و ب: بافت مسکونی متصل (متراکم)

۲-۷- ساختار روستاهای کوهستانی منطقه

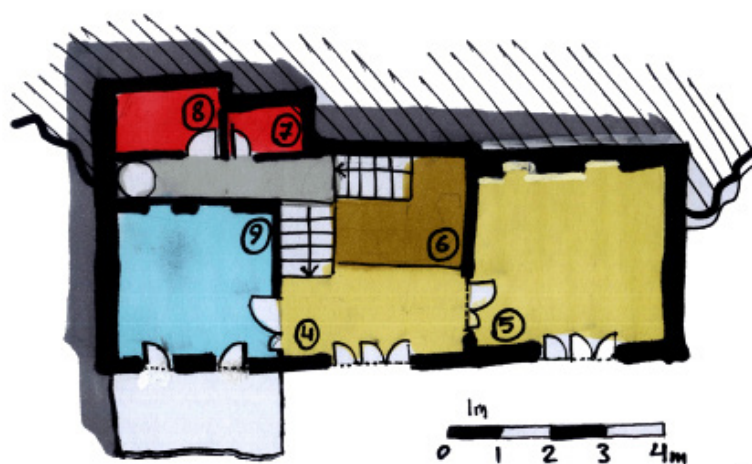
بافت غالب روستاهای این منطقه به دودسته منفصل و متصل تقسیم می شود. ویژگی های بافت مسکونی منفصل (آزاد): بافت آزاد معمولاً در روستاهایی به وجود آمده است که از شیب ملایمی برخوردار باشند (روستاهای رده ۱). در این راستا هر جا که زمین قابل تصرف بوده، روستاهای غیر متراکم با حداکثر وسعت به وجود آمده اند. متوسط مساحت واحدهای مسکونی این روستاها حدود ۲۰۰ الی ۳۰۰ مترمربع می باشد که در آن تراکم فضایی- عملکردی پلان در طبقه همکف است. تقریباً غیر از فضای تشریفاتی و پذیرایی سنتی موسوم به دیواخان (اتاق پذیرایی و مهمان) سایر فضاهای موجود در طبقه همکف مستقر می شوند. خانه دارای ورودی های متعدد از جمله ورودی انسان، دام، ورودی خدماتی و انبارها می باشد. الگوی مسکن به نحوی است که دسترسی وسیله نقلیه کشاورزی را به موقعیت فضای خدماتی امکان پذیر می سازد. زیرا نگهداری علوفه و خوراک دام برای مصرف در فصل پاییز و زمستان برای روستاییانی که دارای معیشت حرفه ای دامداری هستند؛ حیاتی می باشد (شکل های ۱۳ و ۱۴).

شکل ۱۳: پلان طبقه همکف یک واحد مسکونی روستایی در منطقه اورامان- ورودی و مکان نگهداری دام و علوفه



(Soleimani, 2013)

شکل ۱۴: پلان طبقه اول یک واحد مسکونی روستایی در اورامان- اتاق های مختلف خانه



(Soleimani, 2013)

۳-۷- معیشت و نحوه استقرار فضاها در واحدهای مسکونی

معیشت و نوع ساختار اقتصادی مردم روستا دارای ارتباط مستقیم با مساحت، تعداد طبقات، مصالح و مبلمان فضاهای مسکونی بوده و در این زمینه، شغل ساکنین یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در چگونگی چیدمان فضایی واحدهای مسکونی روستایی می باشد. این ویژگی ها را می توان هم در تفاوت فضاهای مسکونی، مساحت و هم در تفاوت حوزه بندی فضاها و سلسله مراتب دسترسی به آن ها مشاهده کرد. بر این اساس، گونه ها و شکل های متمایز معماری، دسته بندی می شوند. به عنوان مثال خانه های افراد باغدار، کشاورز، دامدار و کسانی که بر روی زمین های دیگران کار می کنند؛ کمابیش با هم متفاوت است. در بخش عمده ای از خانه ها، طبقه همکف در بسیاری از موارد به محل نگهداری احشام و انبار اختصاص دارد. فضای اصلی مسکونی در طبقه یا طبقات بالاتر واقع بوده و از بخش های مختلفی تشکیل می شود. این نوع سازماندهی فضایی اغلب در روستاهای کوهپایه ای و کوهستانی (رده های ۲ و ۳) قابل مشاهده است. شیب زمین در این بافت ها حدود ۳۰٪ الی ۵۰٪ می باشد. مساحت واحدهای مسکونی معمولاً ۶۰ الی ۱۲۰ مترمربع بوده و نظام استقرار فضاهای مورد نیاز روستاییان به صورت طبقاتی است. بدین ترتیب که در طبقه همکف فضاهای دام، خدمات، انبارها و سرویس بهداشتی قرار گرفته و در طبقه اول و دوم فضاهای سکونت انسان مستقر می شود. در چارچوب بحث معیشت لازم است به الگوی مسکن روستاهای واقع در حوزه نفوذ شهرها اشاره کرد که متأثر از نفوذ اقتصادی- اجتماعی جاذبه های شهری هستند (Hashemnejad & Molanaei, 2009, p. 22).

۴-۷- اقلیم

یکی دیگر از عوامل مؤثر در شکل دهی به خانه های روستایی، شرایط اقلیمی و آب وهوایی است. از آنجا که مسکن فضای خصوصی زندگی انسان هاست؛ لذا توجه به شرایط آسایش و آرامش در این فضاها و همچنین لحاظ نمودن اقتصادی بودن راه های دستیابی به شرایط فوق بسیار حائز اهمیت می باشد. دو عامل فوق (آسایش و اقتصادی بودن آسایش) در معماری بومی کردستان که دارای شرایط آب وهوایی سرد می باشد؛ با ارائه راه حل هایی مد نظر قرار گرفته است. خانه های مسکونی سازگار با شرایط اقلیمی و آسایش به عنوان الگوی مناسب معماری در طول زمان توسط معماران سنتی تکرار شده اند. همین تسلسل زمانی الگوهای پذیرفته شده موجب شده است که معماری بومی دارای شکل، بافت، حجم و مصالح منطقی سازگار با اقلیم و شرایط جوی باشد (Soleimani, 2013). امروزه در بحث معماری پایدار می توان از فرم و ساختار شکلی بسیاری از خانه های این منطقه در جهت دستیابی به الگوهای معماری معاصر استفاده نمود.

۵-۷- آداب و سنن

مسجد و استقرار بخش مهمی از فضاهای عمومی پیرامون مسجد، یکی از ارکان اصلی شکل گیری ساختار کلی این مناطق را تشکیل می دهد. در کنار این مسأله که به طور غالب در اکثر مناطق به عنوان یک اصل مشاهده می شود؛ باید به مراسم ویژه ای نیز توجه داشت که در ساختار شکلی منطقه تأثیر گذار می باشد: وجود مراسم و آئین ویژه پیر شالیار که هر ساله در دو نوبت و در فصل های بهار و زمستان اجرا می شود، فرهنگ غنی، پوشش محلی مردم ساکن در این منطقه در کنار سایر موارد از جمله ویژگی های است که نام اورامان را به آوازه ای جهانی رسانده است.

وجود مقبره پیرشالیار در روستای اورامان تخت که هر ساله در دو نوبت علاقمندانی را برای برگزاری مراسم به این روستا می کشاند؛ از ویژگی های ارزشمند روستای اورامان تخت است. مراسم پیر در آخرین چهارشنبه منتهی به ۱۵ بهمن ماه برگزار و دیگر مراسم در آخرین چهارشنبه منتهی به ۱۵ اردیبهشت برگزار می شود که مردم محلی آن را «کمسای» می نامند.

برگزاری این دو مراسم از سالیان گذشته تاکنون رواج داشته و هر سال نیز با شکوه خاصی برگزار و مردم بسیاری را از داخل کشور و سایر کشورهای خارجی به این منطقه می کشاند (شکل های ۱۵ و ۱۶). ایجاد محیطی که این مراسم در آن برگزار گردد؛ از شاخص های قابل توجه معماری و بافت منطقه به شمار می آید. به دلیل شیب زیاد و کمبود فضای مسطح در این منطقه، نظام گردهمایی مردم نیز به تاسی از معماری آن در طبقات تعریف شده است. همان گونه که در شکل ۱۲ مشخص است؛ مردم محلی و بازدیدکنندگان در فضاهای مشرف به میدان گاه کوچک یا مقبره پیر شالیار و در بام های مختلف و به شکل ایستاده، نظاره گر مراسم هستند. در حقیقت عدم وجود فضای بزرگ و مسطح مانعی برای آداب و رسوم و سنن این منطقه نیست بلکه از نوع معماری و بافت شهرسازی آن برای ایجاد این محیط استفاده شده است. در واقع تطبیق فعالیت های اجتماعی، اعتقادی و فرهنگی با بافت و معماری این منطقه به بهترین شیوه ممکن امکان تحقق یافته است.

شکل ۱۶: مراسم پیر شالیار در اورامان تخت



(<http://www.mehrnews.com>, 2014/12/9)

شکل ۱۵: مقبره پیر شالیار در اورامان



(<http://www.hamshahrionline.ir>, 2014/11/8)

۶-۷- هنرهای سنتی و بومی

هنرهای سنتی از دیرباز در میان کردها رواج داشته و با توجه به شرایط خاص جغرافیایی از تنوع برخوردار بوده است. تولید این آثار، هم مصرف محلی دارد و هم از نظر اقتصادی در بهبود زندگی مردم منطقه مؤثر است. مهم‌ترین هنرهای سنتی را دستباف‌ها، قالی، گلیم، سجاده بافی (موج، جاجیم)، شالبافی و تهیه پارچه های پشمی، گیوه‌دوزی، نازک کاری، منبت کاری، معرق، سفال گری، نمد مالی، زیور آلات محلی، سوزن دوزی، قرقره بافی، قلاب بافی، گل دوزی، پولک و منجوق دوزی، حصیر و سبد، بافت سیاه چادر، فلز کاری، ساخت آلات موسیقی تشکیل می‌دهند. ساخت تنور و ظروف سفالی در این دیار به عهده زنان است. این افراد با استفاده از گل سرخ رنگی که از کوه‌های اطراف تهیه می‌کنند، به کار ساخت ظروف سفالی خاصی می‌پردازند. در ارتباط میان هنرها و معماری می‌توان ذکر نمود که رنگ‌ها نقش مهمی را در معماری منطقه ایفا می‌کنند. به عنوان مثال رنگ درها و پنجره‌ها اغلب به رنگ آبی می‌باشد که ضمن زیبا بودن آن به نحوی مقابله با چشم زخم به اعتقاد اهالی منطقه می‌باشد.

۷-۷- وضعیت اجتماعی و فرهنگی ساکنین

وضعیت اجتماعی ساکنین واحدهای مسکونی به عنوان عاملی تأثیرگذار بر شیوه معماری مطرح بوده و خود از چند عامل گوناگون تأثیر پذیرفته است. مهم‌ترین این عوامل عبارتند از: فرهنگ، ویژگی‌های قومی و مذهبی و آداب و سنن رایج و قدیمی. عامل فرهنگ بر درونگرایی و برونگرایی، سلسله مراتب حرکتی، دسترسی و همچنین نما و حجم ساختمان تأثیر می‌گذارد. ویژگی‌های جمعیتی را می‌توان در دو عامل ابعاد و تعداد خانوار مورد بررسی قرار داد. اکثر خانواده‌ها، گروه‌های نسبی تشکیل می‌دهند و همین گروه‌ها نیز اغلب دارای مسکن مشترک هستند. روابط اجتماعی، فرهنگ عام مردم و آداب و رسوم و سنن هریک از روستاها تأثیر مهمی بر شکل‌گیری ساختمان دارد. زندگی جمعی در یک خانواده و کاربری فضاهای متعلق به جزئیات درون خانواده، تفکیک زندگی درون خانواده در طبقات و همچنین نحوه ایجاد واحدهای همسایگی و همجواری از تأثیرات مشخص عامل روابط اجتماعی محسوب می‌شود. هریک از بناهای این مناطق با ساختمان‌های همجواری و بالا و پایین خود در ارتباط تنگاتنگ هستند. این مورد که بام یک خانه، حیاط خانه بالاتر خود می‌باشد؛ ایجاد یک زندگی اجتماعی توأم با ارتباطات صحیح را نشان می‌دهد (Soleimani & Molanaei, 2011). (شکل ۱۷).

امروزه یکی از مهم‌ترین معضلات زندگی در مجموعه‌های مسکونی شهری (آپارتمان‌ها)، عدم درک متقابل واحدهای همسایگی می‌باشد و بسیاری از منتقدان معماری وارداتی، این معضل را به دلیل اقتباس صریح و سریع در معماری آپارتمان از فرهنگ و معماری غرب می‌دانند. در حالی که قرون متمادی است مردم مناطق یادشده در یک نظام معماری و شهرسازی طبقاتی با تفاهم کامل، زندگی می‌کنند. این امر نشان‌دهنده غنای فرهنگ مردم روستا می‌باشد (Molanaei, 2006).

شکل ۲۰: مسجد با ساختار جدید و تلفیقی از مصالح سنتی و روش های سازه ای جدید در اورامان



۸. بحث نهایی؛ کاربرد

در نقد و بررسی معماری امروز ایران، بسیاری از صاحب نظران و کارشناسان برجسته، مشکلات فرهنگی متأثر از تفاوت های میان فرهنگ ایرانی با سایر فرهنگ ها را دلیل وجود بحران در معماری مسکونی جدید بالاخص بحران هویت می دانند. شاخص هایی نظیر نحوه استقرار واحدهای همسایگی در کنار هم و ارتباطات عمودی و افقی میان تک بناها از یک سو و مجموعه آن ها از سوی دیگر، یک نظام پیشرفته معماری را در بافت های منطقه مورد مطالعه نشان می دهد که در کنار توجه به ارتباط فرهنگی میان ساکنان آن ها، می توان از این نظام در معماری جدید استفاده نمود. به عنوان مثال می توان در ساختار معماری و شهرسازی مناطقی از غرب کشور که هم دارای قرابت ها و نزدیکی های فرهنگی با مردم ناحیه مورد مطالعه هستند و هم به لحاظ جغرافیایی، اقلیمی و شرایط استقرار زمین شباهت های فراوانی با این ناحیه دارد، از الگوهای معماری پلکانی استفاده نمود. شهر سنندج مرکز استان کردستان با دارا بودن جمعیت قابل توجه نزدیک به ۴۰۰ هزار نفر یکی از مهم ترین شهرهای منطقه غرب ایران است. نتایج تحقیقات متعدد نشان از وجود بحران هویت در معماری و شهرسازی این شهر دارد. نظام ساخت و ساز در استان کردستان به ویژه در سنندج علی رغم افزایش حجم کمی به لحاظ کیفی دچار افت شدید شده و در نتیجه معماری و شهرسازی معاصر این استان از رشد قابل توجهی در زمینه های مختلف برخوردار نشده است. کم رنگ شدن هویت معماری از مهم ترین معضلات به وجود آمده در اثر عدم وجود سامانه مؤثری می باشد که بر پایه مؤلفه های معماری بومی، منطقه ای و شرایط خاص فرهنگی شکل گرفته باشد. نظام اجرایی، استفاده از مصالح مشخص که بیشتر آن بومی و منطقه ای است، تعریف واحدهای همسایگی متناسب با شرایط توپوگرافی و مورفولوژی زمین و نوع روابط همسایگی در طراحی تک بناها و مجموعه آن ها، از اصولی است که در معماری جدید می توان مورد توجه قرار داد. دستاوردهای این گونه تحقیقات می تواند به تعریف الگوهای جدید معماری متناسب با شرایط اقلیمی، هویتی و فرهنگی بیانجامد که در ساختار معماری جدید معاصر مورد استفاده واقع شود.

۹. نتایج

- امروزه معماران معاصر در برابر بحران هویت و ناهماهنگی‌ها و ناسازگاری‌های موجود، رویکردهای گوناگونی را پیش گرفته‌اند. بحران در هویت معماری و به ویژه «هویت اسلامی در معماری» چه در سطح جهان و چه در ایران فراگیر بوده است.
- شناخت هویت اصیل در معماری مناطق مختلف ایران یکی از مهم‌ترین راهکارهای برون رفت از بحران هویت می‌باشد.
- معماری منطقه غرب ایران به ویژه نواحی روستایی و مناطقی که همچنان ساختار اولیه و اصالت خود را حفظ نموده‌اند؛ ناشناخته مانده و تحقیقات انجام شده ساختار غنی بافت معماری و شهرسازی این نواحی را نشان می‌دهد.
- معماری این ناحیه با مؤلفه‌هایی که دارای شباهت‌ها و تفاوت‌هایی نسبت به معماری مناطق مرکزی و کویری ایران است؛ از شاخص‌های متنوع و منحصر به فرد برخوردار می‌باشد. اهمیت معماری روستایی (بالاخص بخش مسکن) در ارتباط ساده و مستقیم میان ساختار زندگی روستاییان (در تمام ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی) با نیازهای آنان و نحوه تبدیل این نیازها به مسکن و خلق سایر فضاهای زیستی و همچنین وجود فناوری‌های منحصر به فرد سازه‌ای و اجرایی بومی است.
- عوامل فرهنگ، اعتقادات اسلامی و نحوه وضعیت اجتماعی مردم، تفاوت‌های بنیادین و اساسی در الگوهای معماری منطقه به وجود آورده و در نهایت منجر به شکل‌گیری این نوع از معماری شده است.
- تکامل ساختار زندگی اجتماعی از دیگر ویژگی‌هایی است که در تار و پود این معماری و زندگی ساکنان آن مشاهده می‌شود. یک نظام معماری مرتبط با نوع زندگی به هم پیوسته مردم در این منطقه (نظام معماری پلکانی) به وجود آمده است.
- خانه‌های مسکونی سازگار با شرایط اقلیمی و آسایش به عنوان الگوی مناسب معماری در طول زمان توسط معماران سنتی طراحی و ساخته شده‌اند. امروزه می‌توان در راستای معماری پایدار از این اصول با توجه به مصالح جدید استفاده نمود.
- توجه به دید و منظر مناسب و روی نمودن به جبهه‌ای که داری تنوع بصری زیبایی است؛ در کنار توجه به استقرار به سمت قبله به عنوان یک عامل معنوی به همراه عوامل اقلیمی در جهت‌گیری کلی بافت مسکونی در این مناطق مشاهده می‌شود.
- در ساختار معماری معاصر بسیاری از منتقدان معماری وارداتی، معضلات فرهنگی ناشی از تفاوت‌های میان فرهنگ ایرانی با سایر فرهنگ‌ها را دلیل وجود مشکلات در معماری مسکونی جدید می‌دانند. شاخص‌هایی نظیر نحوه استقرار واحدهای همسایگی در کنار هم و ارتباطات عمودی و افقی میان تک بناها از یک سو و مجموعه آن‌ها از سوی دیگر، یک نظام پیشرفته معماری را در بافت‌های منطقه مورد مطالعه نشان می‌دهد که می‌توان از این نظام در معماری جدید استفاده نمود.
- امروزه می‌توان با ترکیب فن و هنر بومی و مصالح سنتی با مصالح و فرآورده‌های جدید ساختمانی و استفاده از روش‌های جدید فناوری صنعت ساختمان، به الگوهای جدید برای ساخت و ساز در مناطق مشابه دست یافت.

پی‌نوشت

- ۱- این دسته بندی‌ها بر اساس مطالعات جداگانه‌ای برگرفته از تحقیقات نادر اردلان (کتاب حس وحدت) و عبدالحمید نقره کار (کتاب درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی ایران) انجام شده است.
- ۲- این موارد با توجه به رساله نظریه پردازی با عنوان تعامل انسان با فضا در معماری که نخستین رساله جهت کرسی نظریه پردازی برای رشته معماری در ایران است و توسط محقق ارجمند جناب آقای عبدالحمید نقره کار ارائه شده، تبیین می‌شود.
- ۳- بخش عمده‌ای از این تحقیقات در دانشگاه کردستان و در زمینه شناخت مؤلفه‌های معماری و شهرسازی منطقه غرب ایران انجام شده است.

4- Determinism

5- Circulation

6- Diwaxan

References

- Alizadeh, H. (2008). *Cognition of Kurdistan Rural Housing Patterns*, Sanandaj: University of Kurdistan.
- Ardalan, N., & Bakhtiar, L. (2001). *The Sense of Unity: The Sufi Tradition in Persian Architecture* (H. Shahroukh, Trans.). Tehran: Khak Publication.
- Bani Masoud, A. (2010). *Post Modernism and Architecture*. Tehran: Khak Publication.
- Daneshmehr, H., Karimi, A., & Safari, V. (2013). Survey of Ecotourism and Effects on Development on Rural Areas with SWOT Analyze Model. *Rural Research Journal*, 3(3), 209.
- Hanachi, P. (2009). *Studies of Iranian Architecture*, Center of Cultural Studies of Tehran, Tehran: Municipality of Tehran Publication.
- Hashemnejad, H., & Molanaei, S. (2009). Architecture with View to the Sky. *Fine Arts Journal*. 36, 17-26.
- [http:// hamshahrionline.ir/news-115112.asp](http://hamshahrionline.ir/news-115112.asp)
- [http:// sanandaj.gov.ir/Default.asp](http://sanandaj.gov.ir/Default.asp)
- <http://maps.jamasp.ir>
- [http:// mehrnews.com](http://mehrnews.com)
- Mehr Agency. (2011). *Cognition of Uraman*, Sanandaj.
- Molanaei, S. (2006). Identity of West Part of Iran Architecture, *Architecture & Culture Journal*. 21, 80
- Molanaei, S. (2007). *Survey of Sanandaj Contemporary Architecture with Emphasis on Important Elements of Architecture*. Sanandaj: University of Kurdistan.
- Noghrekar, A. (2009). Interaction between Space and Human in Architecture, *Theory of Architecture*, Tehran: Iran University of Science and Technology.
- Noghrekar, A. (2010). *Islamic Identity of Urban and Architecture*, Tehran: Payam Noor Publication.
- Pirnia, M. K. (2009). *Iranian Architecture* (Gh. Memarain, Ed), Tehran: Sorosh Danesh Publication.
- Soleimani, S. (2013). *Cognition of Islamic Architecture*, Sanandaj: University of Kurdistan.
- Soleimani, S., & Molanaei, S. (2012). Uraman: Identity of Iranian Islamic Architecture, *the First International Conference on Islamic Urban & Architecture*. Tabriz: University of Islamic Art.
- Soleimani, S., & Molanaei, S. (2011). Housing of Kurdistan Rural: Original Architecture of History, *The First International Conference on Rural Settlements: Housing & Fabric*, Tehran: Housing Foundation of Islamic Revolution.
- Tavakoli, M., Kiani A., & Hedayati, S. (2011). The Effects of Tourism Zones on Omission of Deprivation, Case Study: Uraman. *Urban Regional Studies and Research Journal*. 6, 93.
- Zarabi, A., Mohamadi, j., & Babakhanzadeh, E. (2012). The Analyze of Attraction & Facilities of Uraman Tourism, *Geography and Environmental Planning Journal*. 22(43), 35.

